



MfJ

مجله فقه پزشکی

دوره چهاردهم، شماره چهل و چهارم، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/mf>



مقاله پژوهشی

شفابخشی نیم خورده مؤمن؛ در ترازوی نقد و تحلیل

علی محمدیان^۱، رضا سرابی^{۲*} ID

۱. استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: روایات معصومین (علیهم‌السلام) همواره به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین منابع استنباط احکام مورد توجه قرار گرفته است. در تقسیم‌بندی موضوعی روایات، دسته‌ای از آن‌ها متضمن مسائلی پیرامون تغذیه، بیماری‌ها، دارو و درمان آن‌ها می‌باشند. در این بین چندین روایت با مضمون شفابخش بودن نیم‌خورده مؤمن وارد شده است. با عنایت به اینکه اهتمام تام شریعت به مسئله بهداشت و سلامت امری بدیهی و قطعی می‌باشد، نوشتار حاضر در صدد برآمده تا به بررسی مفاد روایات مزبور پرداخته و آن‌ها را در سنج ارزیابی دقیق طبق موازین رجالی و دلالتی قرار دهد.

مواد و روش‌ها: این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است.

نتیجه‌گیری: روایات واردشده در مورد شفابخش بودن نیم‌خورده مؤمن به آن‌گونه از تناول انصراف دارند که با رعایت نکات و مسائل کامل بهداشتی و به دور از هرگونه بیماری و مرض احتمالی انجام شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

واژگان کلیدی:

سؤر

نیم‌خورده

شفا

* نویسنده مسئول: رضا سرابی

آدرس پستی: ایران، خراسان رضوی، مشهد،
دانشگاه فردوسی، دانشکده الهیات و معارف
اسلامی شهید مطهری (ره).

پست الکترونیک:

rsarabi12@gmail.com

۱. مقدمه

از زمانی که بشر بر گستره هستی پای نهاده، خوراک به عنوان نخستین نیاز وی مد نظر بوده است. با ظهور ادیان الهی و به ویژه دین اسلام، مسئله تغذیه نیز همانند دیگر موضوعات از سوی کتب آسمانی و به ویژه قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) مورد توجه قرار گرفته و در آیات و روایات فراوانی در خصوص آن‌ها سخن به میان آمده است. از بایدها و نبایدهای غذایی تا حتی تأثیر غذا بر اخلاق و رفتار اشخاص مورد نظر فرستادگان الهی، جملگی در میراث دینی مورد اشاره قرار گرفته‌اند، تا جایی که حتی در رابطه با نیم‌خورده مؤمن نیز احادیثی به دست ما رسیده و آن را شفا و تبرک دانسته‌اند.

کلام ائمه به دلیل معصوم و مصون بودن از سخن لغو و خطا در بیان، نه تنها صحیح و شایسته است، بلکه پوشاندن جامه عمل به آن سخنان توشه راه و گره‌گشای مسائل روزمره زندگی انسان‌ها خواهد بود. این سخن در بسیاری از مسائل بدیهی و مبین است؛ اما روایات «تیم‌خورده مؤمن» جزء آن دسته از مسائلی است که قدری مستلزم روشن‌سازی و تبیین است؛ همچنان که قرآن و معصومین نیز ما را به تفحص و واکاوی در خصوص مسائل مختلف تشویق نموده‌اند، از باب نمونه پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ» (۱) بدین معنی که در همه چیز بیندیشید ولی در ذات خدا نیندیشید. و چه بسا پذیرش موضوع مهمی مثل دین نیز بدون بررسی و تحقیق در کلام الله نهی شده است (۲). در جایی دیگر نیز خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «از آنچه به آن آگاهی نداری پیروی مکن، چراکه گوش، چشم و دل، همه مسئول می‌باشند» (۳). بهداشت و سلامتی نیز در فرهنگ اسلامی و جهانی نه تنها در جنبه فردی بلکه در جنبه اجتماعی نیز همواره به عنوان امری حیاتی مورد توجه بوده و سفارش‌ها و توصیه‌های فراوانی در خصوص آن ارائه شده است. بیماری‌ها و آفات فراوانی هستند که قابلیت سرایت‌پذیری داشته و از طریق انسان،

حیوان و حتی برخی اجسام قابل انتقال می‌باشند. حال از سویی روایات «سُورِ الْمُؤْمِنِ» که بیانی از جانب معصوم است و از سوی دیگر لزوم بهداشت و حفظ سلامتی به مثابه دو نقطه مقابل یکدیگر می‌باشند که نیاز به بررسی و واکاوی دارند. پژوهش حاضر درصدد است تا با تبیین و بررسی سندی و دلالتی روایات مزبور به این پرسش پاسخ دهد که با عنایت به جایگاه والا و رفیع معصومان و لزوم پیروی از کلام آن‌ها از یک سو و لزوم تفکر و تعقل در موضوعات گوناگونی که بشر با آن مواجه است، نحوه برخورد با احادیث «سُورِ الْمُؤْمِنِ» با وجود تعارضی ظاهری که بین این روایات و مسئله سلامت وجود داشته و با اندکی تفکر قابل مشاهده است، به چه ترتیب خواهد بود.

در خصوص پیشینه پژوهش فرارو باید گفت طبق بررسی‌های به عمل آمده از سوی نگارندگان این جستار، در تمام پایگاه‌های علمی معتبر، هیچ کتاب یا مقاله‌ای که موضوع مزبور را پوشش داده و به بیان و بررسی آن پرداخته باشد، ملاحظه نمی‌گردد؛ لذا شاید بتوان شاخصه پژوهش حاضر را در نخستین بودن آن از لحاظ طرح و واکاوی موضوع مزبور دانست که حداقل در دامنه تفحص شده نگارندگان تاکنون از سوی هیچ پژوهشگری به آن التفاتی نشده است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع بنیادی بوده و با استفاده از شیوه توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است و نگارندگان پس از تبیین مفهوم اصلی بحث، مستندات موجود در ارتباط با موضوع مقاله را مورد تبیین و شناسایی قرار داده و سپس به تحلیل ادله پرداخته‌اند.

۳. یافته‌ها

از تحلیل و بررسی روایات مرتبط با مسئله به دست آمد که روایات حاکم بر شفابخش بودن سُورِ مؤمن بر مؤمنی حمل

پیدا کرده، تعریف کرده‌اند (۱۶). بنابراین تعریف، سؤر اختصاص به نوشیدنی؛ یعنی تماس دهان با مایع ندارد و شامل مایعی که با یکی دیگر از اعضای بدن تماس پیدا کرده نیز می‌شود؛ چنان‌که اختصاص به آب ندارد و شامل دیگر مایعات نیز می‌گردد.

برخی فقها از جهتی دیگر سؤر تعمیم داده و آن را به مطلق آنچه از نوشیدنی یا غذا باقی مانده است، تعریف می‌کنند. از باب نمونه یکی از فقها معتقد است اسثار جمع سؤر است و در لغت بدین معنا است: باقی‌مانده هر چیز یا نیم‌خورده غذا و نوشیدنی یا به‌طور ویژه آب، و از هریک از این‌ها مفهوم قلت برداشت می‌شود چه اینکه اگر از رودخانه یا چاه یا حوض‌های بزرگ نوشیده شود به آنچه در آن‌ها باقی مانده «نیم‌خورده» گفته نمی‌شود. منظور در اینجا این است که: هر آنچه خورنده باقی می‌گذارد یا به او تعلق دارد و هر آنچه در حکم آن است از هر چیز پاک، یا آب قلیل پاک که حیوان با قسمتی از بدنش که نجس نیست از طریق نوشیدن یا غیر آن با آن تماس پیدا کرده باشد (۱۷).

شیخ انصاری معتقد است اسثار با همزه بعد از سین، جمع سؤر است و به باقیمانده از هر چیز یا باقیمانده غذا و نوشیدنی یا به صورت خاص به آب گفته شده است (۱۸).

برخی دیگر اظهار داشته‌اند عرف نیز به این معنی کمک می‌کند که سؤر عبارت است از باقیمانده مایعات بدون اختصاص به آب و همراه با تماس مستقیم که به نظر عرف خالی از سرایت نیست بلکه ممکن است ادعا شود شامل جامدات مرطوب هم می‌شود مانند رطب زمانی که با اطراف آن تماس مستقیم داشته باشد؛ زیرا از نظر آنها این جامدات از سرایت خالی نیستند. به‌هرحال، ظاهر این است که مورد بحث در اینجا احکام مترتب بر نیم‌خورده است به خاطر اینکه نیم‌خورده است نه به خاطر اینکه آب قلیلی است که با صاحب نیم‌خورده تماس داشته و بدین روی حکم طهارت و نجاست بر آن مترتب شود (۱۹).

می‌شوند که در صحت و سلامت باشد و ترک نیم‌خورده افرادی که بیمار هستند یا به دلایلی چون شیوع امراض، احتمال بیماری ایشان می‌رود، با ادله و اصول شرعی و عقلی سازگارتر است.

۴. سؤر در لغت و اصطلاح

لغت‌شناسان در رابطه با معنای سؤر معانی مختلفی را بیان کرده‌اند. از برخی از آن‌ها اختصاص سؤر به باقی‌مانده نوشیدنی اظهار می‌شود (۵-۴)، و از برخی دیگر شمول داشتن بر باقی‌مانده غذا (۶) و از گروه سوم نیز معنای مطلق باقی‌مانده اعم از نوشیدنی یا غذا استظهار شده است (۱۱-۷). در نتیجه به‌صورت کلی کلمه سؤر که «اسثار» جمع آن است. در لغت به معنای قسمت باقی‌مانده آب در ظرف یا حوض و همچنین محتوای ظرفی که انسان یا حیوان از آن نوشیده و نیز ته مانده هر چیزی از آب، غذا و غیر آن می‌باشد. بنابراین «سؤر المؤمن» در روایات محل بحث به معنای نیم‌خورده و ته‌مانده آب و غذای مؤمن است.

برای اصطلاح سؤر معانی مختلفی ذکر شده است. بسیاری از فقها اصطلاح سؤر را به باقی‌مانده آب نوشیده شده حیوان تعریف کرده‌اند (۱۵-۱۲). در مورد سؤر به این معنی چهار قول مختلف وجود دارد؛ اول: نجاست نیم‌خورده همه حیوانات حرام‌گوشت، به جز پرندگان و حیواناتی که در شهر نمی‌توان از آن‌ها اجتناب کرد مثل موش و گربه و این طریق شیخ در مبسوط است. دوم: نیم‌خورده هر حیوان پاک، پاک و نیم‌خورده هر حیوان نجسی، نجس است که روش علم‌الهدی است و صاحب شرایع الاسلام، علامه و ابوعباس آن را اختیار کرده‌اند. سوم: نجاست نیم‌خورده حیوان نجاست‌خوار و مسخ‌شده که روش ابن ابی عقیل است. چهارم: نجاست نیم‌خورده حیوان مردارخوار که روش شیخ در نهاییه است (۱۵).

برخی دیگر از فقها، معنای سؤر را تعمیم‌داده و آن را به آب یا مایعی که حیوان از آن نوشیده یا عضوی از بدنش با آن تماس

۵. بررسی تاریخی سؤر مؤمن در کلام فقها

در میان فقیهان متقدم شیخ طوسی در باب طهارت کتاب مبسوط، مبحثی را تحت عنوان اسئار مطرح کرده و چنین نگاشته است که نیم‌خورده تمام آدمیان، مگر کافران پاک است؛ اما از شفاعت بودن سؤر مؤمن کلامی را بیان نکرده است (۲۰) و بعد از او ابن‌ادریس نیم‌خورده‌ها را به دو نوع نیم‌خورده انسان و غیر انسان تقسیم کرده و پس از تقسیم سؤر آدمی به مؤمن، مستضعف و کافر، متعرض طهارت و شفاعت بودن نیم‌خورده مؤمن شده است؛ اما علتی برای آن ذکر نکرده است (۱۶).

از فقهای متأخر، علامه حلی در نه‌ایه الاحکام فصلی را تحت عنوان نیم‌خورده‌ها گشوده و معتقد است سؤر آدمی اگر مسلمان یا در حکم مسلمان باشد طاهر است و اگر کافر یا در حکم کافر باشد نجس است (۱۲). فاضل مقداد نیز با اعتقاد به طهارت تمامی نیم‌خورده‌ها، سؤر سگ، خوک و کافران را استثناء کرده است؛ اما در باب سؤر مؤمن و درمانگر بودن آن سخنی نگفته است (۱۳). شهید ثانی قولی مشابه با این گفتار را بیان داشته است (۲۱). فاضل نراقی نیز سؤر مؤمن را مطرح کرده و در عین بیان عدم کراهت آن در میان اقسام نیم‌خورده‌هایی که مکروه هستند، شفاعت بودنش را به سبب روایتی که در این مورد وارد شده است، متذکر شده است (۲۲). در میان فقهای معاصر آیت‌الله خویی، در باب طهارت به‌طور مستقل مسئله سؤر مؤمن را مطرح نموده و پس از استثناء نمودن آن از انواع سؤر حرام، علت چنین استثنائی را روایت وارد شده در خصوص استحباب تبرک جستن به سؤر مؤمن در نظر گرفته است (۲۳). مرحوم گلپایگانی در کتاب الطهارة به‌رغم گشودن بحثی تحت عنوان اسئار، سخنی درخصوص سؤر مؤمن بیان نداشته است (۲۴). آیت‌الله مکارم شیرازی سؤر مؤمن را در باب اسئار متذکر شده و آن را از اقسام سؤر حرام، استثناء نموده‌اند؛ اما بیانی درخصوص علت آن یا مقید کردن آن به موقعیتی خاص از سوی ایشان مطرح نشده است

(۲۵). آیت‌الله سیستانی به مسئله مزبور اشاره داشته و از باب معین نمودن وجهی برای این روایت، آن را مقید به زمانی خاص پنداشته‌اند (۲۶).

۶. بررسی روایات مسئله

در مورد شفاعت بودن نیم‌خورده مؤمن دو روایت وارد شده است:

روایت اول: محمد بن علی بن الحسین فی (ثواب الأعمال) عن أبیه، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن عیسی، عن الحسن بن علی الوشاء، عن عبدالله بن سنان، قال: «قال أبو عبدالله: فی سؤر المؤمن شفاء من سبعین داء» (۲۷-۲۹). امام صادق (ع) فرمودند: در نیم‌خورده مؤمن شفا هفتاد مریضی است.

روایت دوم: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنُ عَبْدِ الْقَيْطِينِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ (ع) أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي حَدِيثِ الْارْبَعَمِائَةِ قَالَ: «سؤر المؤمن شفاء» (۲۸-۲۹). امام علی (ع) فرمودند: نیم‌خورده مؤمن شفا است.

۶-۱. بررسی سندی روایات

روایت اول: در کتب رجالی به وثاقت راویان حدیث تصریح شده است (۳۰-۳۵). بنابراین روایت فوق از نظر سندی صحیح بوده و خدشه‌ای بر آن وارد نیست.

تنها نکته‌ای که ممکن است درخصوص سند روایت مطرح شود اختلاف نظر عالمان رجال در وثاقت محمد بن عیسی بن عبید یقطنی است؛ چراکه برخی از او به‌عنوان فردی مورد اعتماد و بلندمرتبه در میان اصحاب یاد کرده‌اند (۳۱) و برخی دیگر اعتبار وی را ضعیف دانسته‌اند (۳۶)؛ اما می‌توان گفت با توجه به اینکه امام رضا (ع) او را به نیابت از خویش به حج فرستادند، درحالی‌که نائب در حج باید فردی عادل و مورد اطمینان نائب‌گیرنده باشد؛ بنابراین به نیابت گرفتن یقطنی

توسط حضرت، مهر تأییدی بر وثاقت او است (۳۷) بنابراین از این جهت ایرادی بر سند روایت وارد نمی‌شود.

روایت دوم: این روایت نیز از نظر سندی صحیح است؛ چراکه در کتب رجالی به وثاقت راویان آن تصریح شده است (۳۴-۳۰، ۳۸-۳۹) و تنها درخصوص وثاقت محمد بن عیسی، قاسم بن یحیی بن حسن راشدی و حسن بن راشد طفاوی اختلاف نظر وجود دارد.

در مورد وثاقت محمد بن عیسی ذیل روایت پیشین توضیح داده شد. درخصوص قاسم بن یحیی نیز باید گفت هرچند علامه حلی ضعف وی را از ابن غضائری نقل کرده است (۳۹-۴۰)؛ اما برخی دیگر به وثاقت وی تصریح نموده‌اند. محقق خوئی در این مورد اظهار داشته است که شیخ صدوق به درستی روایتی درخصوص زیارت امام حسن که قاسم بن یحیی نیز در سند آن بوده حکم کرده و گفته است که این روایت صحیح‌ترین روایات نزد ایشان است و تضعیف ایراد شده از سوی ابن الغضائری در تعارض با کلام شیخ صدوق واقع نمی‌شود؛ زیرا اصل منتسب بودن این کتاب به ابن غضائری ثابت نیست (۴۱). در مورد حسن بن راشد طفاوی نیز هرچند برخی او را مورد اعتماد دانسته (۳۹) و برخی دیگر وی را تضعیف نموده‌اند (۳۱)؛ اما او یکی از راویان روایت زیارة الحسین است که شیخ صدوق آن را صحیح‌ترین روایات در باب زیارات، دانسته است و همچنین ازجمله راویان تفسیر علی بن ابراهیم قمی است و جناب قمی همه راویان تفسیر خویش، که سند آن به یکی از معصومان علیهم‌السلام ختم می‌شود، را مورد اعتماد دانسته و توثیق کرده است (۴۲). بنابراین خدش‌های بر سند روایت وارد نمی‌شود و سند روایت صحیح است.

۲-۶. بررسی دلایلی روایات

هرچند در روایاتی که گذشت به شفا بخش بودن نیم‌خورده مؤمن اشاره شده است؛ اما در تراث دینی آموزه‌هایی وجود دارند که ضمن تأکید فراوان بر رعایت بهداشت بر دوری از اشخاص مبتلا به بیماری مسری دلالت دارند و با روایات سابق دارای نوعی تعارض هستند. از باب نمونه در روایتی از پیامبر

اکرم (ص) چنین منقول است: «لَا تُطِيلُوا النَّظَرَ إِلَى الْمَجْذُومِ وَ إِذَا كَلَّمْتُمُوهُ فَلْيَكُنْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ قَيْدٌ رَمَحٌ». «به افراد مبتلا به بیماری خوره، زیاد نگاه نکنید و در حین گفتگو با آن‌ها، به مقدار یک نیزه از آنان دوری گزینید» (۲۹). همچنین از امام صادق (ع) منقول است که پیامبر گرامی اسلام (ص) ضمن وصیت‌های خویش فرموده‌اند: «كَرِهَ أَنْ يَكَلَّمَ الرَّجُلُ مَجْذُومًا إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ قَدْرُ ذِرَاعٍ وَ قَالَ فَرَّ مِنْ الْمَجْذُومِ فِرَارَكَ مِنَ الْأَسَدِ». «با شخصی که مبتلا به مرض جذام است معاشرت و هم‌صحبتی مکروه است، مگر در صورتی که بین آن دو به اندازه یک ذراع فاصله باشد. همچنین پیامبر فرموده‌اند: از شخص مبتلا به مرض جذام، فرار کنید آن‌چنان‌که از شیر می‌گریزید». (۲۹-۲۸، ۴۳) در روایت دیگر از حضرت رسول (ص) نقل شده است که فرمودند: «أَتَاهُ مَجْذُومٌ لِيَبَايَعَهُ فَلَمْ يَمْدُ يَدَهُ إِلَيْهِ بَلْ قَالَ أُمْسِكْ يَدَكَ فَقَدْ بَايَعْتُكَ». «حضرت به شخص مبتلا به مرض جذام، دست نداده و فرموده‌اند: بدون آنکه با من دست بدهی، بیعت تو را می‌پذیرم» (۲۹)

با توجه به تعارض موجود میان روایات وارد شده در مورد نیم‌خورده مؤمن و روایات وارد شده در مورد دوری از اشخاص مبتلا به بیماری مسری می‌بایست به نوعی میان روایات جمع نمود. به نظر می‌رسد دو وجه برای جمع میان این روایات وجود دارد:

وجه اول: یکی از وجوه جمعی که می‌توان برای این دو دسته از روایات پیشنهاد داد این است که روایات راجع به «سُورِ مؤمن» بر نیم‌خورده مؤمنی که در صحت و سلامت است، حمل شوند که در چنین مواردی بهره‌وری از نیم‌خورده سبب ممانعت از اسراف نیز می‌شود؛ اما در مورد مؤمنانی که بیمار هستند وفق روایات ضرورت دوری جستن از اشخاص مبتلا به بیماری مسری عمل می‌شود. به عبارتی در نتیجه جمع بین این دو فرقه از روایات می‌توان گفت استفاده از نیم‌خورده مؤمن به جهت شفا و تبرک بودن آن، در صورتی که مؤمن فاقد بیماری باشد، عملی پسندیده است. دیدگاه آیت‌الله

سیستانی درخصوص مسئله مزبور نیز مؤیدی بر نتیجه جمع مذکور است؛ چراکه ایشان استحباب سؤر مؤمن را به حالت عدم ممنوعیت استفاده از سؤر مقید نموده و در این باب بیان داشته است: ظاهراً مصرف باقیمانده غذای مؤمن مستحب است، اگرچه ممکن است عنوانی دیگر نیز بر این عمل، منطبق شود که نتیجه آن برخلاف این حالت استحباب باشد (۲۶).

در توضیح وجه جمع باید گفت محل بحث از مصادیق تعارض عام و اطلاق شمولی است؛ چراکه از یکسو ادله به صورت عام بر ضرورت دوری جستن از بیماران مسری دلالت دارند و از سوی دیگر روایات بر شفاعت بودن نیم‌خورده مؤمن به صورت مطلق دلالت دارند خواه مؤمن بیمار باشد یا سالم باشد. در چنین مواردی امر دایر است میان تخصیص عام و تقيید اطلاق شمولی. یعنی در محل بحث امر دایر است بین تخصیص «ادله دوری جستن از بیماران مسری» به غیر مؤمن و بین تقيید «شفاعت بودن نیم‌خورده مؤمن» به مؤمن سالم. به نظر می‌رسد همان‌گونه که برخی تصریح نموده‌اند در چنین مواردی تقيید اطلاق شمولی بر تخصیص عام مقدم است؛ زیرا شمول عام نسبت به مصادیق خود، از شمول مطلق اظهر است، چه اینکه شمول عام نسبت به مصادیق، شمول وضعی است، ولی شمول مطلق به موجب مقدمات حکمت است (۴۴). بنابراین جمع میان روایات مستلزم دوری جستن از نیم‌خورده مؤمنی است که دارای بیماری مسری می‌باشد.

این وجه جمع با اصل حفظ نفس در شریعت اسلام نیز مطابقت دارد. توضیح اینکه حفظ جان در شریعت اسلام از واجبات است و پرهیز از هر چیزی که ممکن است جان انسان را به خطر اندازد از باب مقدمه واجب، واجب است و می‌تواند از مصادیق آیه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ...» (۴۵) باشد. امیرمؤمنان (ع) نیز به اهمیت پیشگیری از بیماری اشاره داشته و فرموده‌اند: «لَا وَقَايَةَ أَمْنٍ مِنَ السَّلَامَةِ». «هیچ مراقبتی، ایمن‌تر از سلامتی نیست» (۲۹). در دین اسلام، سلامت انسان از چنان اهمیتی برخوردار است که چنانچه ترک حرام یا فعل

واجبی با آن تراحم یابد، سلامت فرد تقدم یافته و در راستای آن، انجام حرام یا ترک واجب مشروعیت پیدا می‌کند؛ از باب نمونه می‌توان به جواز خوردن یا نوشیدن محرّمات در حالت اضطرار یا جواز روزه نگرفتن در حال بیماری اشاره کرد (۴۶). چه‌بسا در برخی موارد ترک واجب برای حفظ سلامتی واجب می‌شود مانند وجوب ترک روزه برای کسی که روزه گرفتن سلامت وی را به خطر می‌اندازد. وقتی ترک واجب برای حفظ سلامتی واجب باشد، به طریق اولی ترک مستحب برای حفظ سلامتی واجب است.

این وجه جمع با حکم عقل نیز سازگار است؛ چراکه عقل و عرف نیز بر لزوم احتراز از نیم‌خورده بیماران مسری حکم می‌کنند. در توضیح باید گفت تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از بیماری‌ها از طریق مواد غذایی آلوده به باکتری‌ها، انگل‌ها و ویروس‌ها وارد بدن می‌شوند. زمانی که شخص بیمار، غذایی را می‌خورد ممکن است بیماری او از طریق دست یا قاشقی که با بزاق دهان وی تماس یافته است به غذای او منتقل شود و اگر فرد دیگری باقیمانده غذای او را بخورد او نیز به بیماری مبتلا شود. بنابراین عقل حکم می‌کند از نیم‌خورده آن گروه از مؤمنانی که ناقل بیماری بوده و یا حتی احتمال مسری بودن بیماری آن‌ها می‌رود، پرهیز شود.

وجه دوم: وجه دیگری که برای مسئله مزبور یعنی استحباب سؤر مؤمن پنداشته شده، از این قرار است که چنین حکمی از باب ایجاد الفت و دوستی میان مؤمنان است و نوعی پرورش بایسته معنوی و روانی است که به سبب آن نفوس مؤمن از یکدیگر اشمئزاز و انزجار نداشته باشند و موجبات رنجیدگی خاطر یکدیگر را فراهم نکرده و چه‌بسا از مازاد و نیم‌خورده یکدیگر بهره جویند، تا سبب شکل گرفتن گونه‌ای از علاقه و محبت میان آن‌ها گردد.

در دعوات راوندی، از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است که فرموده‌اند: «شرب الماء من الكوز العام أمان من البرص والجذام». «نوشیدن آب از کوزه‌های عمومی امان از بیماری‌های برص (لک و پیس) و جذام است». (۴۷) راجع به

پنداشته می‌شود (۲۹). البته وجه مزبور تبرعی به نظر می‌رسد و از قطعیتی برخوردار نیست.

۷. نتیجه‌گیری

طبق آنچه در نوشته حاضر بیان شد، هرچند در برخی تألیفات فقهی به شفاعت بودن نیم‌خورده مؤمن اشاره شده است؛ اما این مسئله از جانب مشهور فقهای امامیه مغفول مانده و جز در مواردی نادر، به بیان علت و چرایی آن پرداخته نشده است. برخی از فقها به دو روایت در این باب اشاره داشته و آن‌ها را مستند فتوای خویش قرار داده‌اند که روایات مزبور اگرچه از نظر سندی صحیح هستند، با دسته‌ای از روایات که بر ضرورت دوری جستن از تماس نزدیک با بیماران مسری دلالت دارند، دارای نوعی تعارض می‌باشند. بنابراین برای رفع تعارض موجود، روایات سؤر مؤمن بر نیم‌خورده مؤمنی که در صحت و سلامت است حمل می‌شوند و در مورد مؤمنانی که بیمار هستند یا به دلایلی چون شیوع امراض، احتمال بیماری ایشان می‌رود، وفق روایات ضرورت دوری جستن از تماس نزدیک با بیماران مسری عمل می‌شود و این وجه جمع با حکم شرع مبنی بر وجوب حفظ جان و همچنین با حکم عقل مبنی بر لزوم پرهیز از باقیمانده غذای بیماران جهت پیشگیری از انتقال بیماری مطابقت و سازگاری دارد. جهت رفع این تعارض وجه دیگری نیز تحت عنوان حمل روایات بر ایجاد انس و الفت معنوی از سوی برخی پنداشته شده است که از قطعیت برخوردار نمی‌باشد.

۸. تعارض منافع

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی شماره ۳۹۲۳۷ دانشگاه بزرگمهر قائنات است.

بررسی سندی این روایت، تا آنجایی که بررسی شد، سلسله سندی برای آن ذکر نشده است، جز اینکه در کتبی مانند بحارالانوار و مستدرک الوسائل که این روایت در آنها بیان شده است (۲۹، ۴۸)، آن را به نقل از جناب قطب‌الدین راوندی بیان نموده‌اند که نزد علمای امامی، فقیه و محدثی مشهور و مورد اعتماد است (۴۹)؛ اما مرحوم علامه مجلسی معتقد است از ظاهر روایت چنان برداشت می‌شود که از روایات اهل سنت باشد (۲۹). به هر روی اگر روایت مزبور از لحاظ سندی نیز پذیرفته شود، به نظر می‌رسد معصوم علیه‌السلام بیشتر انس و الفت مؤمنان و برانگیختن عاطفه و دوستی آن‌ها را مورد نظر قرار داده و ناظر به جنبه عاطفی آن است و چه‌بسا مقصود از کوزه و ظروف همگانی، همان آب‌خوری‌های دیرین باشد که هر شخص با لیوان و یا کاسه خویش آب را از آن می‌نوشید، چراکه در غیر این صورت اساساً با روایات فراوانی که بر سفارش‌های بهداشتی ناظر است، در تناقض بوده و سازگاری ندارد. اسلام تا آنجایی که موضوع نظافت و رعایت موازین بهداشتی عنایت داشته است که حتی استفاده مشترک دو شخص از یک مسواک، حوله، دستمال، شانه و غیره را هشدار داده و ممنوع نموده است، حال با این وجود به چه‌سان مؤمنان را ترغیب می‌کند که از آب‌خوری‌های همگانی استفاده کنند، مگر در چنان وضعیتی که هر شخصی با ظرف شخصی خویش از آن آب‌خوری بنوشد (۵۰). علامه مجلسی در باب این حدیث اظهار داشته است: گویا مقصود از کوزه‌های عمومی همان آب‌خوری‌هایی است که هر رهگذری از آن‌ها می‌آشامد، به رغم اینکه انسان‌ها از ترس شیوع و انتقال بیماری‌ها از نوشیدن آن پرهیز می‌نمایند؛ اما پیامبر (ص) آن را منتفی دانسته‌اند و از این قرار که نیم‌خورده مؤمنان است، آن را زمینه‌ساز مرتفع ساختن بیماری‌ها دانسته‌اند؛ اما امروزه در جامعه انسانی، به پرهیز از چنین مواردی توصیه می‌شود و نوشیدن و آشامیدن از ظروف عمومی، نوعی موضع شیوع و انتقال بیماری‌ها

References

* Holy Quran

1. Muḥammadī Ray Shahrī, M. Mīzān al-Ḥikmat. Beirut: Dār al- Ḥadīth. 1995 (1416). 3: 1892. [In Arabic]
2. Q. 2: 170-171.
3. Q. 17: 36.
4. Juḥarī, I. al-Ṣiḥāḥ. 4nd ed. Beirut: Dār al-ʿIlm al-Malāyīn. 1986 (1407). 2: 675. [In Arabic]
5. Tahānwī, M. Kashshāf Iṣṭilāḥāt al-Funūn Wa al-ʿUlūm. Lebanon: Nāshirūn. Nd. 1: 989. [In Arabic]
6. Qurṭubī, M. Tafsīr al- Qurṭubī. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al- ʿArabī. Nd. 15:165. [In Arabic]
7. Fīrūz Ābādī, M. al-Qāmūs al-Muḥīṭ. Lebanon: Dār al- ʿIlm. Nd. 2:43. [In Arabic]
8. Ibn Manẓūr, M. Lisān al- ʿArab. Beirut: Dār al-Ṣādir. 1993(1414). 4: 339. [In Arabic]
9. Farāhīdī, KH. Kitāb al-ʿIyn. Np: Dār al-Hijrat. 1409(1998). 7: 292. [In Arabic]
10. Ṭurayḥī, F. Majma' al-Baḥrayn. Np: Farhang Islāmī. 1999(1408).2: 452. [In Arabic]
11. Zubiydī, M. Tāj al-ʿArūs Min Jawāhir al-Qāmūs. 2nd ed. Lebanon: Dār al-Fikr. 2005 (1414). 6: 488
12. Ḥillī, H. Nahāyat al-Aḥkām. 2nd ed. Qum: Ismāʿīlīyān. 1989(1410). 1: 238. [In Arabic]
13. Fāḍil Miqdād, A. al-Tanqīḥ al-Rāʿiḥ Fī Sharḥ Mukhtaṣar al-Nāfi. Qum: Marʿashī Najafī. 1983 (1404). 1:34 & 61. [In Arabic]
14. Ibn Fahd Ḥillī, A. al-Muḥadhdhab al-Bārī' Fī Sharḥ al- Mukhtaṣar al-Nāfi. Qum: al-Nashr al-Islāmī al-Tābi'at li-Jimā'at al-Mudarrisīn Fī Ḥuzat ʿIlmīyyat Qum. 1986 (1407). 1:122. [In Arabic]
15. Ṣaymarī Baḥrānī, M. Ghāyat al-Marām Fī Sharḥ Sharā'ī' al-Islām. Lebanon: Dār al-Hādī. 1999(1420). 1: 54. [In Arabic]
16. Ibn Idrīs Ḥillī, M. al-Sarā'ir al-Hāwī li-Taḥrīr al-Fatāwā. 2nd ed. Qum: al-Nashr al-Islāmī al-Tābi'at li-Jimā'at al-Mudarrisīn Fī Ḥuzat ʿIlmīyyat Qum. 1990(1410). 1: 85 & 84. [In Arabic]
17. Fāḍil Hindī, M. Kashf al-Lithām. Qum: al-Nashr al-Islāmī al-Tābi'at li-Jimā'at al-Mudarrisīn Fī Ḥuzat ʿIlmīyyat Qum. Nd. 1: 283. [In Arabic].
18. Anṣārī, M. Kitāb al- Ṭahārat. Qum: Majma' al-Fikr al-Islāmī. 1994(1415). 1: 369. [In Arabic]
19. Khomeini, R. Kitāb al- Ṭahārat. Tehran: Nashr Wa Tanẓīm Āthār Imām Khomeini. 2000(1421). 1:247. [In Arabic]
20. Ṭūsī, M. al-Mabsūt Fī Fiqh al-Imāmīyyat. 3nd ed. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīyyat li-Iḥyā' al-Turāth al-Ja'farīyyat. 1967(1429). 1: 10. [In Arabic]
21. Shahīd Thānī. Masālik al-Afhām Fī Sharḥ Sharā'ī' al-Islām. Qum: Ma'ārif Islāmī. 1992(1413). 1: 23. [In Arabic]
22. Narīqī, A. Mustanad al-Shī'at Fī Aḥkām al-Sharī'at. 2nd ed. Qum: Dār Āl al-Bayt li-Iḥyā' al-Turāth al-ʿArabī. 1994 (1415). 1: 118. [In Arabic]
23. Khoei, SA. Musū'at al-Khoei. Np: al-Khoei al-Islāmī. Nd. 2:369. [In Arabic]
24. Gulpāyīgānī, SMR. Kitāb al- Ṭahārat. Qum: Dār al-Qur'ān al-Karīm. 1986(1407). 1:55. [In Arabic].
25. Makārim Shīrāzī, N. al-ʿUrwat al-Wuthqā Ma'a Ta'liqāt. Qum: ʿAlī Ibn Abī Ṭālib. 2007 (1428). 1: 53. [In Arabic]
26. Sīstānī, A. Minhāj al-Ṣāliḥīn. Qum: Āyatullāh Sīstānī. 1993(1414). 1: 29. [In Arabic]
27. Ibn Bābawayh, A. Thawāb al-ʿAmal Wa ʿIqāb al-ʿAmal. Np. Qum: Dār al-Sharīf al-Razi. 1985(140). 151. [In Arabic]
28. Ḥurr ʿĀmulī, M. Wasā'il al-Shi'at. 3nd ed. Qum: Dār Āl al-Bayt li-Iḥyā' al-Turāth al-ʿArabī. 1991(1412). 25: 263 & 263 - 12: 49. [In Arabic]
29. Majlisī, MB. Biḥār al-Anwār. 2nd ed. Qum: al-Wafā. 1982(1403). 75: 33 - 76: 338 - 65: 83 - 74: 282-66: 427. [In Arabic]
30. Ibn Nadīm, M. al-Fihrist. 2nd ed. Lebanon: Dār al-Ma'rifat. 1996 (1417). 1: 242. [In Arabic]
31. Najjāshī, A. Rijāl al-Najjāshī. 9nd ed. Qum: Nashr Islāmī. 2007(1386). 1: 68 & 39 & 214 & 333 & 441 & 323-324 & 38. [In Persian]
32. Majlisī, M. al-Wajīzat Fī al-Rijāl. Tehran: Wizārat al-Thiqāfat Wa al-Irshād al-Islāmī. 1420(1999). 1: 85 & 85 & 246. [In Arabic]
33. Ibn Shahrāshūb, M. Ma'ālim al- ʿUlamā. Najaf: al-Maṭba'at al- Ḥiydarīyyat. 2001(1380). 1: 89. [In Persian]
34. Ḥillī, H. Khulāṣat al-Aqwāl. Np. Qum: Dār al-Fiḳāhat. 1: 150 & 104 & 150.
35. Ṭūsī, M. al-Fihrist. Najaf: Maktab al-Murtaḍawīyyat. 1854 (1271). 1: 101. [In Arabic]

36. Ṭūsī, M. Rijāl al-Ṭūsī. 3rd ed Qum: al-Nashr al-Islāmī. 1994 (1415). 1: 393. [In Arabic]
37. al-Junnat al-ʿIlmīyyat Fī Muʿasisat al-Imām al-Ṣādiq. Musūʿat Ṭabaqāt al-Fuqahā. Lebanon: al-Junnat al-ʿIlmīyyat Fī Muʿasisat al-Imām al-Ṣādiq. 1999(1420). 3: 553. [In Arabic]
38. Ibn Dāwūd Ḥillī, Ḥ. Kitāb al-Rijāl. Qum: al-Sharīf al-Raḍī. Nd. 1: 284. [In Persian]
39. Ḥillī, Ḥ. Tartīb Khulāṣat al-Aqwāl. Mashhad: Āstān Quds Raḍawī. 2002(1381). 1: 401 & 341 & 142. [In Persian]
40. Ibn Ghadāʾirī, A. al-Rijāl. 9nd ed. Qum: Dār al-Ḥadīth. 2001(1422). 1: 86. [In Arabic]
41. Khoei, AQ. Muʿjam Rijāl al-Ḥadīth. 2nd ed. Qum: al-Khoei al-Islāmī. 1992 (1413). 15: 68. [In Arabic]
42. Qumī, A. Tafsīr Qumī. Qum: Dār al-Kitāb. 1983 (1404). 1: 4.
43. Ibn Bābawayh, ʿA. Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh 2nd ed. Qum: al-Nashr al-Islāmī al-Tābiʿat li-Jimāʿat al-Mudarrisīn Fī Ḥuzat ʿIlmīyyat Qum. 1992(1413). 4: 357 - 3: 557. [In Arabic]
44. Kāzimi Khurasānī, MA. Fawāʾid al-Uṣūl. Np. Qum: Nashr Islāmī. N.d 4: 730.
45. Q. 2: 195.
46. Hāshimī Shāhrūdī, SM. Farhang Fiqh. Qum: Dāʾirat al-Maʿārif. 1426(2006). 3: 120. [In Arabic]
47. Rāwandī, Q. al-Daʿwāt. Qum: al-Imām al-Mahdī. 1987 (1366). 79. [In Arabic]
48. Muḥaddith Nūrī, H. Mustadrak al-Wasāʾil Wa Mustanbaṭ al-Masāʾil. Qum: Dār Āl al-Bayt li-Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī. Nd. 16: 425. [In Arabic]
49. Ardibīlī, M. Jāmiʿ al-Ruwwāt. Lebanon: Dār al-ʿAḍwāʾ. 1982 (1403). 364. [In Arabic]
50. Amīnī Gulistānī, M. Sarchishmih Ḥayāt. Qum: Sipīhr Ādhīn. 2005(1384). 227 & 228. [In Arabic]



MfJ

Medical Fighh Journal

2022; 14(44): e11

Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/en-mf>



ORIGINAL RESEARCH

Healing the half-eaten believer; on the balance of criticism and analysis

Ali Mohammadian¹, Reza Sarabi^{2*} 

1. Assistant Professor, Faculty of Human Sciences, Bozormehr-e-qaenat University, Qaen, Iran.

2. Graduate of master in Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 31 Desember 2022

Accepted: 3 March 2023

Published online: 18 march 2023

Keywords:

Sour

half-eaten

healing

* Corresponding Author: Reza Sarabi

Address: Iran, Khorasan Razavi, Mashhad, Ferdowsi University, Shahid Motahari Faculty of Theology and Islamic Studies.

Email: rsarabi12@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The innocents' narratives (peace be upon them) have always been considered as one of the most prominent sources of deriving rulings. In the thematic division of narratives, some of them include issues related to nutrition, diseases, medicine and their treatment. Meanwhile, there are several narratives with the theme of healing the half-eaten believer. Given that Sharia's total attention to hygiene and health is obvious and definite, the present article has tried to examine the contents of the mentioned narratives and put them in the criteria of accurate evaluation according to the true and false narrators' standards.

Materials and Methods: This article was written with a descriptive-analytical method and by referring to library sources.

Conclusion: The narratives about healing the half-eaten believer refer to a type of eating that should be done in compliance with the health tips and issues and away from any possible illness and disease.

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Cite this article as:

Mohammadian A, Sarabi R, Healing the half-eaten believer; on the balance of criticism and analysis. *Med Fighh J* 2022; 14(44): e11.